



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

سرمدبیر خالد حاج محمدی

۹ دی ۱۳۹۰

۳۰ دسامبر ۲۰۱۱

آذر مدرسی

انتخاباتی دیگر،

ریاکاری دیگر

تاریخ خفقان و استبداد از ۸۸ شروع نمیشود

با شروع ثبت نام نامزدهای انتخاباتی مجلس نهم جدال جناح های مختلف بورژوازی حول انتخابات از حاشیه به مرکز سیاست کشیده شد. اصولگرایان برای کسب کرسی های بیشتر در مجلس و آماده شدن برای تعیین تکلیف نهایی حاکمیت و یک کاسه کردن هرچه بیشتر ارتجاع حاکم تلاش میکنند مردم را پای صندوقهای رای بکشند.

هدف طرفداران بیت امام بدست آوردن اکثریت در مجلس و کنترل دولت احمدی نژاد است. متقابلاً برای جناح احمدی نژاد بدست آوردن اکثریت در مجلس امکانی برای کوتاه کردن دست ولی فقیه و حامیانش و آزاد کردن دولت از کنترل دستگاه مذهبی و امکان پیشبرد برنامه های سیاسی و اقتصادی خود است. در عین حال برتری هریک برد دیگری، پیش زمینه ای برای موفقیت هر یک در انتخابات رییس جمهوری دو سال آینده خواهد بود.

داغ شدن بازار انتخاباتی اما امکانی را برای جنبش ارتجاعی سبز فراهم کرده است تا زیر پرچم دروغین "دفاع از آزادی و مقابله با خفقان" و عدم شرکت در "نمایش انتخاباتی" یکبار دیگر توده مردم

صفحه ۲

کنگره پنجم حزب حکمتیست برگزار میشود

کنگره پنجم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در فوریه ۲۰۱۲ در اروپا بطور علنی برگزار میشود.

حزب حکمتیست به اعتبار خط و پرچم سیاسی متفاوتش به اعتبار هفت سال تلاش در شکل دادن به صف متحد و رادیکال طبقه کارگر در مقابل کل بورژوازی و در دل جدالهای سیاسی جامعه، به حزبی مورد احترام در میان رهبران و فعالین

کارگری در میان صف آزادیخواهی در جامعه ایران تبدیل شده است.

حزب حکمتیست با گارد آزادی و پروژه "رهبران کمونیست در میان مردم" به قلب شهرهای کردستان قدم گذاشت. با جدال با انواع جریانات قومی و ناسیونالیستی با اسنادی چون "منشور سرنگونی" و "حقوق جهانشمول انسان" و "آنچه باید آموخت"، توجه هر کارگر و انسان شریفی را به خود جلب کرد. با تقابل و تمایزش با ضد رژیم گری سطحی چپ ایران، و با مقابله جدی با جنبش ارتجاعی سبز و همه جریاناتی که از دل این

اعتراض بورژوازی لیبرال، به مردم نوید انقلاب و رفاه و آزادی میدادند، ایستاد. و بعنوان سخنگوی انقلابیگری کارگری از صف مستقل کارگر معترض و آگاه، از آزادی و برابری دفاع کرد و در همه این جدالها، پرچم کمونیستی و برابری طلبانه را در دفاع از منفعت عمومی طبقه کارگر نمایندگی کرده است.

امروز این خط متمایز و پرچم سیاسی متفاوت از طرف منتقدین آن در درون حزب مورد تعرض قرار گرفته و حزب را با بحرانی جدی روبرو کرده است. باید به این وضعیت خاتمه داد و خاتمه دادن به این وضعیت کار کنگره پنج حزب است.

صفحه ۲

امان کفا

پیش به سوی کنگره حزب حکمتیست



"هگل در جایی بر این نکته انگشت گذاشته است که همه رویدادها و شخصیتهای بزرگ تاریخ جهان، به اصطلاح، دوبار به صحنه میآیند؛ وی فراموش کرده است اضافه کند که بار اول بصورت تراژدی و بار دوم بصورت کمدی (کمدی فلاکتبار- پانویس مترجم)، کوسیدیر به جای دانتون، لویی بلان به جای روبسپیر، مونتانی سالهای ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۱ به جای مونتانی ۱۷۹۳ تا ۱۷۹۵، برادر زاده به جای عمو. و در اوضاع و احوالی که دومین روایت هژدهم برومر در آن رخ میدهد با چنین مضحکه ای روبرو هستیم."

انتشار چنین پلاتفرمی، بمثابه حزب، بدون کوچکترین تلاشی جهت قانع کردن و مصوب کردن آن، "کودتایی" است که در این حزب رخ داد. کودتایی که طبق اساسنامه این حزب غیر قانونی است و نمیتواند ملغی کند.

پیشنهاد دهندگان آن، بر اساس همان اساسنامه با انتشارش، از خود خلع مسئولیت کردند. اما حزب موجود است و در نتیجه پیشبرد آن را کسانی به عهده می گیرند که مصوبات کنگره ای که انتخابشان کرده است را درست می دانند. این امر مسئولیت نمایندگان منتخبی است که به آن مصوبات پایبند بوده و هستند تا کنگره آتی، تکلیف را مشخص کند.

تا اینجا نه نیازی به توجیه است و نه سیاه کردن صفحات طولانی. برای هر بیننده منصفی، واقعیت گویا تر از اینهاست. پلاتفرم ارائه شده، بیان "خط" سیاسی دیگری و جدا از خط رسمی در این حزب است، خطی که تصور می کند تناسب قوا به نفعش چرخیده و با پلنوم ۲۲ این حزب "اکثریت" شده است و آنان که پایبند به مصوبات و سیاست های رسمی این حزب هستند لابد اقلیت! متأسفانه سخنوران این خط آقدر به خود بی اعتماد هستند که حاضر نیستند حتی قبول کنند که سیاست متفاوتی دارند. می گویند

صفحه ۴

خالد حاج محمدی

تصمیم مسئولان رضا شهابی



میکنند که: "من به رضا شهابی بعد از ۳۰ روز اعتصاب غذا در اعتراض به ۱۹ ماه بلاتکلیفی در زندان، روز یکشنبه اول دیماه ۱۳۹۰، به درخواست طیف وسیعی از فعالین کارگری، نهادها و تشکلهای مختلف کارگری، رفقای خود و خانواده و بستگانش، مسئولانه جواب مثبت داد و به اعتصاب غذا پایان داد. طبق اطلاعیه "کمیته دفاع از رضا شهابی"، او اعلام

دومی را میپذیرم و به احترام همه ی آنها از تصمیم خودم مبنی بر ادامه ی اعتصاب میگذرم."

جواب مثبت رضا شهابی به سخنگویان میلیونها کارگر در ایران و دهها نهاد و تشکل کارگری و طیف وسیعی از انسانهای دلسوز و شرافتمند در سراسر جهان و به خانواده و بستگان خود، و پایان دادن به اعتصاب غذا، دلگرمی بزرگی برای همه ما بود. احساس مسئولیت رضا شهابی در این مورد، جای تقدیر عمیق دارد. کارگران شرکت واحد و هفت تپه، کارگران نفت و پتروشیمی و

صفحه ۲

به اعضا و کادرهای حزب حکمتیست

کنگره ۵ حزب حکمتیست

صفحه ۳

به نمایندگان کنگره ۴ حزب حکمتیست

موضوع کنگره ۵ حزب حکمتیست

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

انتخاباتی دیگر، ریاکاری....

منتفر از جمهوری اسلامی و حاکمیت سیاه آنرا به سیاهی لشکر جنبش ارتجاعی خود برای سهم بری در قدرت تبدیل کنند.

لشکر گسترده و متفرق سبز از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی گرفته تا سید خندان "خامی"، از جبهه مشارکت و شورای هماهنگی راه سبز امید گرفته تا سبزه‌های سکولار و لیبرال داخل و خارج کشور با خواست "انتخابات آزاد" اعلام کرده اند در این انتخابات شرکت نخواهند کرد و مردم را به عدم شرکت دعوت میکنند. از "فضای سیاسی مناسب" و "آزادی احزاب و رسانه‌های مستقل" بعنوان پیش شرط هر انتخابات آزادی نام میبرند. سنگ "حق مردم" در انتخاب آزاد را به سینه میزنند و انتخابات امسال را نمایشی در تقابل با "دمکراسی" و "حق مردم" میخوانند. جریانی که یکبار با شعار "رای من را پس بده" و "یا حسین میر حسین" و با متوهم کردن بخش وسیعی از مردم به بخشی از ارتجاع حاکم آنان را قربانی جدالهای درونی خود کرد، تلاش میکند امروز با شعار پوچ "انتخابات آزاد" یکبار دیگر مردم را به سیاهی لشکر خود تبدیل کند.

خواست پر طمطراق و دهان پرکن "انتخابات آزاد" امروز ورد زبان کل این صف شده. چنان از "انتخابات آزاد" و "آزادی های سیاسی مردم" حرف میزنند و چنان برای "انتخابات آزاد و حق مردم در انتخاب کردن" سینه چاک

میکند، چنان از نبودن فضای مناسب سیاسی و آزادی سیاسی گلایه میکنند که گویی آزادی که این صف طرح میکند عین همان آزادی است که مردم به جان آمده از خفقان و استبداد سی و چند ساله میخوانند. در کمال "شجاعت" اعلام میکنند که مصمم اند تا متحقق شدن "آزادی کامل" تن به خفت شرکت در انتخابات ندهند. جریانی که در صحنه سیاست به حاشیه رانده شده، به بن بست رسیده، جریانی که چنان ناتوان و حاشیه ای است که حتی برای گرم کردن بازار انتخابات به آنان نیازی نیست، استیصال خود را به "قهرمانی" و "شجاعت" در نه گفتن به جناح مقابل تبدیل میکند. باید به این درجه از "رادیکالیسم، جسارت و پیگیری" آفرین گفت.

تمام فریاد آزادی و انتخابات آزاد این لشکر مستاصل به آزادی سران سبز و مطبوعات سبز خلاصه میشود. از نظر سلحشوران اصلاح طلب تاریخ استبداد از انتخابات سال ۸۸، از روزی که خود مورد غضب رقیب قرار گرفتند، شروع شده است. ظاهرا میدا استبداد و خفقان سال ۸۸ و حبس خانگی موسوی و کروبی است، نه سال ۵۸ و لشکر کشتی به کردستان، نه سال ۵۹ و انقلاب فرهنگی دانشگاهها و به خون کشیدن دانشجویان چپ، نه سال ۶۰ و ۶۱ و کشتار کمونیستها و همه مخالفین سیاسی خود، نه سال ۶۷ و قتل عام زندانیان سیاسی، نه با به گلوله بستن کارگر معترض در اولین سالهای پس از انقلاب، نه تمام سالهایی که آپارتاید

جنسی در ایران حاکم بوده و سبزه‌های فکول کرواتای امروز و خط امامی های دیروز متفقا به صورت زنان اسید میپاشیدند. زبان سخنوران و رهبران ایشان از نام بردن این تاریخ سیاه که خود در آن سهم اند الکن است.

آزادی سبزه، عموزاد ه های اصولگرایان، هم سفره ای های "مقامات" و قسم خوردگان "نظام" ربطی به آزادی مردم ندارد. اینها سی و چند سال آزاد بودند و در تمام دوره ای که خفقان، استبداد، زندان، شکنجه و اعدام برقرار بود شوالیه های شجاع امروز در همه این جنایات شریک بودند. تا زمانیکه عالیجنابان در قدرت سهم بودند، انتخابات آزاد بود و امروز که با اردنگی از قدرت بیرون انداخته شده اند به یاد آزادی انتخابات و حق مردم و آزادی سیاسی و زندانی سیاسی افتاده اند. و البته منظور از این آزادیها هم آزادی رهبران و فعالین و احزاب و گروههای جنبش سبز، مدافعان قانون اساسی و خط امام و بخش ناراضی بورژوازی لیبرال است. از منظر این

بخش از بورژوازی، حق اعتصاب و آزادی تشکل کارگری و آزادی زن، حق مردم در داشتن ابتدائی ترین حقوق خود، به آزادی و دمکراسی آنها بیربط است. شرط آزادی بورژوازی سبز دقیقا در اختناق سیاسی و فقر اقتصادی طبقه کارگر و زن و جوان و بخش محروم جامعه است. گرسنگی و فقر و بیکاری برای این صف به مانند جناح برادر در قدرت، بخشی از نیاز جامعه بورژوازی و بخشی از قانون خدشه

ناپذیر بخش مفت خور و انگل است و باید حفظ شود.

برای طبقه کارگر، برای زنانی که بیش از سی سال است بیحقوقی مطلق را به نام و رنگهای مختلف تجربه میکنند، برای نسلی که فقر و بیکاری و خفقان و استبداد را بخش لاینجذای جمهوری اسلامی میدانند، برای مردمی که جمهوری اسلامی و جناح های مختلف و متلون آن را تجربه کرده اند، این انتخابات و همه انتخاباتهای پیشین جمهوری اسلامی مضحکه ای بیش و نمایشی برای اعلام آشکار بیحقوقی مردم نبوده و نیستند. تا زمانیکه شهابی ها، علی نجاتی ها، اسالوها و مددی ها در زندان به سر میبرند، تا زمانیکه آزادی بدون قید و شرط سیاسی، آزادی تشکل، آزادی احزاب سیاسی منجمله کمونیستها، آزادی زن در این جامعه وجود ندارد. حرف از انتخابات آزاد پوچ است.

مردم نباید در این مضحکه انتخاباتی شرکت کنند اما نه با پرچم آزادی موسوی و کروبی، نه با خواست آزادی مطبوعات سبز. انتخاباتی آزاد است که نمایندگان واقعی مردم، نمایندگان طبقه کارگر، کمونیستها، زن و جوان آن جامعه آزاد باشند. در چارچوب جمهوری اسلامی چه سبز و چه سیاه هیچ انتخاباتی آزاد نیست!

کنگره پنجم حزب

در چنین شرایطی برگزاری علنی کنگره حزب در خارج کشور، امکان باز و حداقلی را فراهم می کند تا موافقین و مخالفین این پرچم متفاوت چه در درون حزب و چه بیرون حزب روشن، شفاف و علنی بحث های خود را مطرح کنند و نهایتا کنگره سرنوشت حزب حکمتیست را رقم بزند.

دفتر سیاسی حزب حکمتیست از همه کسانی که علاقمندند تا در این کنگره سرنوشت ساز و مباحث آن دخالت کنند، و بر آن تاثیر بگذارند، دعوت میکند که در این کنگره شرکت کنند.

اطلاعات بیشتر در مورد تاریخ دقیق و محل کنگره در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت. برای کسب اطلاعات بیشتر میتوانی با ای میل زیر تماس

بگیرید.

hekmatist.congres5@gmail.com

دفتر سیاسی حزب حکمتیست
۲۸ دسامبر ۲۰۱۱

تصمیم مسئولانه

نوب آهن، ایران خودرو و هزاران مرکز بزرگ و کوچک کارگری، با پایان اعتصاب غذای رضا شهابی احساس قدرت کردند. و این حقیقت، ارج و حرمت بالای رهبر و فعال کارگری در عمق قلبهای میلیونها انسان کارکن جامعه را میرساند. کارگرانی که رضا شهابی در صف اول مبارزه آنان علیه سرمایه و برای دنیائی انسانی،

دنیای کم مشقت تر و قابل تحملتر قرار دارد.

موقعیت رضا شهابی و دست زدن به اعتصاب غذا، برای این صف قابل فهم بود. اما بیثباتی رفقا و همکاران رضا شهابی، برای پایان دادن به اعتصاب غذا، نگرانی عمیق همه از لطمه خوردن سلامتی رضا شهابی، هم به عنوان دوست و همکار و هم سرنوشت، و هم به عنوان یکی از چهره های صف کارگران حق طلب، برای جنبش ما قابل تحمل نبود.

ما، بر جسم هزاران زن و مرد و جوان برابری طلب ایجاد شده است، تنها با بگور سپردن بردگی مزدی، با خاتمه دادن حکومت سرمایه داران و ایجاد جامعه ای برابر، التیام میبخشد.

سی روز اعتصاب غذا، لطمات جدی به جان و جسم رضا شهابی زده است، کارگران شرکت واحد، فعالین و رهبران کارگری در ایران و صف میلیونی طبقه کارگر ایران، صف آزادیخواهی و برابری طلبی در این جامعه، این لطمات را به عنوان بخشی دیگر از پرونده پر از جنایت طبقه سرمایه دارد و دولت مطبوعش خواهد نوشت.

زخمهای عمیقی که نسل به نسل بر جسم و روح فعالین و رهبران جنبش

مرگ بر جمهوری اسلامی!

به نمایندگان کنگره ۴ حزب حکمتیست موضوع کنگره ۵ حزب حکمتیست

رفقای عزیز!

و تعیین تکلیف با این وضع، در صلاحیت همه شما است. قبول کنید هیچ پروسه انتخاباتی در فضای امروز حزب ممکن نیست. هر نوع انتخاباتی خود به مرکز جدال کشداری تبدیل می شود که معلوم نیست سر از کجا در می آورد، هر کار و بحثی مهر جدال و انشقاق موجود حزب را بر خود میگیرد. در شرایطی که انتخابات کنگره چهارم مهر هیچ جناح بندی را بر خود ندارد، صلاحیت همه نمایندگان از جانب کنگره تأیید شده است، پروسه انتخاباتی به اتفاق آرا همه نمایندگان تأیید شده است، هیچ شکایاتی به کنگره نرسیده است. با این توضیحات در شرایط ویژه کنونی این تنها و تنها راه سالم، مطمئن و قابل دفاع و ممکن است.

رفقای عزیز!

کنگره در اروپای مرکزی برگزار می شود و طبق تصمیم پلنوم ۲۲ کمیته مرکزی، کنگره علنی است.

خواهشمندیم حضور خود در کنگره را فوری به اطلاع ما برسانید و لطفاً تنها و تنها با آدرس مایل کنگره، با ما تماس بگیرید. ما در نامه های بعدی، شما را در جزئیات بیشتر کار کنگره قرار میدهم.

آدرس میل کنگره ۵:

hekmatist.congeres5@gmail.com

با احترام فراوان

مسئول برگزاری کنگره

خالد حاج محمدی

۲۹ دسامبر ۲۰۱۱

لذا ما بدین وسیله همه نمایندگان کنگره چهارم را به کنگره پنجم حزب فراخوان میدهم. از همه شما صمیمانه درخواست میکنیم که در این کنگره شرکت کنید، مباحثات، انتقادات و هر بحثی را دارید، کنگره میتواند رسیدگی کند. تنها مکانی که میتواند به این وضع پایان دهد، کنگره است، تنها جایی که قانونا حق دارد میان خط رسمی حزب حکمتیست و خط بازنگری حزب که پلاتنوم هیئت دائم آن را نمایندگی میکند، یکی را انتخاب کند، باز کنگره حزب است. ما، همه نمایندگان کنگره چهارم را، مسئول از اینکه سیاستا چه نظری دارند، چه نقد و انتقاد و اعتراضی دارند، را به کنگره فرامیخوانیم.

رفقا! این حزب نتیجه تلاش تک تک ما

کنونی و تاریخ هفت ساله حزب دفاع کنیم و با بپذیریم که منتقدین حزب حق دارند و حزب حکمتیست باید تغییر ریل پیدا کند. این راهها با جواب رفقای خط بازبینی و مخالفت آنها به بن بست رسید. این وضع را نباید ادامه داد، این وضع شایسته این حزب نیست. تنها راه خاتمه دادن به این وضع، همچنانکه طیف وسیعی از اعضا و کادرهای حزب و رفقای دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان خواسته اند، کنگره حزب است. و ما این را در نامه خود "پایان یک دوره تلاش" به اطلاع عموم رساندیم.

همچنانکه در نامه ۲۸ دسامبر دفتر سیاسی حزب به اطلاع عموم رساندیم، کنگره پنجم حزب حکمتیست در فوریه ۲۰۱۲ در اروپای مرکزی برگزار میشود. فوریت کنگره برای جوابگویی به وضع کنونی حزب بر کسی پوشیده نیست. ساده ترین و مشروعترین راه در این فضا فراخواندن کل نمایندگان کنگره چهارم حزب به کنگره و به عنوان نماینده کنگره پنجم است. رهبری منتخب شما نمایندگان کنگره چهارم، به هر دلیلی دچار انشقاق شده است، و بازبینی و بازخواست این رهبری حق شما است. این رهبری به دلایل مختلف دچار دو دستگی شده است و امروز عملاً حزب در وضع خطیری قرار گرفته است. ارزیابی در مورد این وضع و تصمیم در مورد کارکرد حزب

تصمیم به برگزاری کنگره حزب بعد از پلنوم ۲۲ کمیته مرکزی، به اطلاع و تأیید پلنوم ۲۲ رسید. طبق مباحثات و گزارش رهبری حزب به پلنوم ۲۲ قرار شد با اتمام پلنوم پروسه انتخابات کنگره حزب فوری شروع شود. مسئول انتخابات کنگره به پلنوم معرفی شد و پلنوم ۲۲ تصمیم گرفت که کنگره علنی باشد.

در اینکه امروز حزب در وضع خطیری قرار دارد شکی نیست. خارج از هر تحلیل و ارزیابی که هر کس داشته باشد حزب عملاً دو شقه شده است. این وضع برای هیچ انسان مسئولی قابل ادامه نیست. ما با قبول بی قید و شرط بیانیه مشترک ۱۵ دسامبر دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان، تلاش کردیم راهمان را کج کنیم و کل حزب را و از جمله منتقدین خط رسمی را به پای راهی مشترک برای نجات حزب بیاوریم. تلاش کردیم فضا و امکانی ایجاد شود که به جای فضای غیر سیاسی امکان ابراز نظر و از جمله نقد خط رسمی حزب برای منتقدین فراهم شود و رفقا به این راه روی آورند. فکر میکردیم و گمان میکردیم که فکرها روشن و شفاف و علنی این رفقا به همه ما امکان میدهد که قضاوت کنیم، یا از خط

به اعضا و کادرهای حزب حکمتیست

کنگره ۵ حزب حکمتیست

رفقای عزیز!

ذکر آن در شان شما و نامه ما نیست. اعضا و کادرهای حزب حکمتیست برای شرکت در کنگره دعوت میکنیم. خواهشمندیم شرکت خود در کنگره پنجم حزب را تنها با آدرس کنگره ۵ که در زیر ملاحظه میکنید، برای ما ارسال کنید.

آدرس مایل کنگره ۵:

hekmatist.congeres5@gmail.com

با احترام فراوان

مسئول برگزاری کنگره

خالد حاج محمدی

۲۹ دسامبر ۲۰۱۱

هر رفیق حزبی داشته باشد، حزب در وضع خطیری قرار گرفته است. دلایل این وضع در خود حزب و از جانب رفقای منتقد حزب و مدافعین خط تا کنونی خود مورد مناقشه است. همه راههای توافق و از جمله پیشنهادات احزاب کمونیست کارگری عراق و کردستان و لیستی و سبب از کادرها و اعضا سه حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان و حزب حکمتیست، عملاً به بن بست رسیده است. تلاشهای دبیر کمیته مرکزی برای پلنوم فوق العاده متأسفانه عملاً نه تنها با بی میلی و مخالفت رفقای منتقد حزب در هیئت دائم قرار گرفت، بلکه از جانب این رفقا مورد اهانت هم قرار گرفت که

قبل از پلنوم ۲۲ کمیته مرکزی، بحث کنگره ۵ حزب در هیئت دبیران حزب مورد بحث قرار گرفت و به اتفاق آراء، تصمیمات لازم و از جمله برگزاری کنگره پنجم بعد از پلنوم تصویب شد. مسئول برگزاری انتخابات باز به اتفاق آراء تعیین شد، و همه اینها به اطلاع پلنوم ۲۲ کمیته مرکزی رسید. پلنوم بحث علنی یا مخفی بودن کنگره را مورد بحث قرار داد و با اکثریت آراء، تصمیم گرفته شد که کنگره علنی است. اتفاقات بعد از پلنوم و بعد از اعلام پلاتنوم هیئت دائم که در پلنوم کنار گذاشته شده بود، حزب را وارد بحرانی عمیق کرد. خارج از هر ارزیابی که

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

پیش به سوی کنگره

پلاتفرم‌شان همان سیاست های حزب است و همان مصوبات کنگره های حزب است، در این صورت معلوم نیست چه نیازی به پلاتفرم داشتند. فرمول بندی هایشان در این مورد خیره کننده است. برای نمونه بعد از چندین صفحه آسمان ریسمان بافتن، جمال کمانگر می نویسد "مشکل را نه در پلاتفرم بلکه تغییر تناسب قوا میان خطوط سیاسی و در آرایش رهبری متناسب با آن و قرار باز گرداندن اختیارات کمیته کردستان باید دید". معلوم نیست که این خطوط سیاسی (بجز خط رسمی تائکونی این حزب) که یکباره به میدان آمده اند، مشخصات شان چیست، پلاتفرم هایشان کجاست، ابراز وجودشان در کدام یک از اسناد رسمی این حزب موجود است. اگر نه فقط خود، بلکه دیگران را هم کمی عاقل تصور کنیم، نمی شود یک بام و دو هوا زد. همه در دنیای واقعی بیرون از ما میدانند که سیاست رسمی این حزب چه بوده است و طبیعتاً تناسب قوایی که به مصوب شدن این سیاست ها منتج شده است هم به همان اندازه معلوم است. فراتر از این، با همان تناسب قوا، پلنوم ۲۱ این حزب (با یک رای ممتنع) برسیاست های تائکونی آن تأکید می کند. این پلنوم از کورش مدرسی و نقش او در حزب حکمتیست تجلیل می کند، و پلنوم ۲۲ گویی این تناسب قوا را دگرگون کرده است! معنای تغییر تناسب قوا از یک خطی به دیگری کاملاً مشهود است، ولی سوال این است که چرا این خط از اعلام رسمی سیاست مخالف خود ابا دارد، آنرا نمی کند، و حالا این خط، بدون پیشینه بدون اینکه تا بحال یک مصوبه و سند رسمی را به تأیید ارگانی رسانده باشد، "صاحب قدرت" شده. سحرآمیز است. چرخش تناسب قوا را باور کنیم یا رأی مثبتان به مصوبه پلنوم ۲۱؟ آیا هنوز پلاتفرم هم بیان و ابراز وجود سیاسی خط دیگر نیست؟ به این خرگوش از کلاه در آوردن در عالم واقعی می گویند کوتا.

یکی از خصوصیت های خصلت نمای چپ غیرکارگری این است که همواره خودش را محور اصلی همه چیز، منجمله جامعه می پندارد. غیرکارگری است چون منافعی را در هر لحظه بنا به مقدرات روز، و پراگماتیستی در مقابل خود قرار می دهد. به نرخ روز نان می خورد، آینده ای را نمی بیند، استراتژی ندارد و هر لحظه اعلام موضع می کند. برخلاف جنبش های کارگری، همراهش، دیرروز دوست و فردا دشمن خونی می شود. نمی تواند کمی فراتر از آنچه می بیند را تصور

کند، و فوراً اپینولوژیک وار، همچون خوره به جان آنچه با خون و دل ساخته می افتد و یک شبه همه چیز را فرو می ریزد. در میان این چپ، منافع، منافع خودش است و طبقه ای در کار نیست. برای این چپ، سازمان لازم نیست، چون آنرا برای کاری نمی خواهد، و به راحتی می تواند از سرش بگذرد. خودش را محور می داند، فرقه ای عمل می کند، سیاست بازی می کند تا صحت عملش را توجیه کند. در دنیای این چپ، کارگر بمثابه یک طبقه جایی ندارد و این را در تمامی سیاست ها و عملکردهای آن می توان مشاهده کرد.

اختلافات امروز در حزب حکمتیست نیز در خلأ و درون تشکیلاتی نیست. دنیا هم به این صحنه نگاه می کند. مسلماً هر جنبشی انتظارات و اهداف خود را در بررسی هر اتفاقی در جامعه دنبال می کند. با دوربین خود از آن عکس می گیرد و ارزیابی می کند. کمونیسم هم جدا از این قاعده نیست. شاید تفاوت اصلی برای کمونیست ها آنجاست که آنها همواره می گویند تا از دل چنین بررسی هایی، طبقه کارگر را آگاه تر، منسجم تر و متشکل تر کرد. برای کمونیستی که امروز به اختلافات در حزب حکمتیست می نگرد نیز، همین امر صادق است.

برخی در مورد اختلافات در این حزب اظهار نظر کرده اند که این "اکثریت تقابلی است با خط کورش مدرسی" و مشکل شان این است که چرا این مخالفان سیاست های مصوبه، در نیمه راه ایستاده اند، و به اندازه کافی به صراحت به این تقابل اذعان ندارند! راستش حق دارند چون درجه سادگی سیاسی مخالفین سیاست های رسمی در این حزب تا آنجاست که از سیاست طفره می روند و باز هم به تشکیلات و اساسنامه ای که زیر پا گذاشته اند رجوع می کنند، و دنیای سیاسی که به آن اساسنامه روح می دم را نادیده می گیرند. کنگره ها و مصوبه های تا به امروز دور می زنند، و بجایش فراخوان اجلاس کمیته مرکزی را می دهند. باز هم متأسفانه، یادشان می رود که تکرار احکام شان، نشانی از صحت آن نمی دهد. زمانی که ما از حزب کمونیست کارگری جدا شدیم، نه یکشنبه بلکه کوهی استدلال و نوشته و جلسه ها برگزار شد. اسناد گوناگونی که تصویری واقعی از آن دوره را می دهند در سایت این حزب موجود است. همان وقت هم اختلافات و خطوط سیاسی معلوم بودند، و بیانیه ۲۳ عضو کمیته مرکزی در آن دوره، تنها بازتاب اظهار نظر جمعی اکثریت کمیته مرکزی وقت بود. آن وقت خطوط سیاسی در حزب کمونیست کارگری،

برخلاف امروز، خجولت سیاسی نداشتند، اظهار نظر کرده و همه از آنها با اتکا به اسناد مطلع بودند. عدم فراخواندن پلنوم توسط لیدر آن موقع حزب کمونیست کارگری، مبارزه ای علیه رسمیت یافتن تصمیم کمیته مرکزی بود و فراخوانشان به کنگره، نه اجلاس نمایندگان تشکیلات ها، بلکه تنها اجلاس آحادی بود که امکان مسافرت به محل کنگره را داشتند. چنین عملکردی همانطور که همان موقع گفتیم، بیانگر سیاست انحلال طلبانه در آن حزب بود و آنها هم بارها اعلام کردند، که خواهان بیرون رفتن تمامی مخالفانشان از آن حزب بودند. واقعاً که تاریخ دو بار تکرار می شود، و بار دوم کمدی است. اگر دفاع از مصوبات و سیاست های رسمی آن زمان با فراخوان پلنوم متعین می شد، امروز با فراخوان کنگره بیان می شود.

برای نمونه مورد کمیته های کمونیستی است که در پلاتفرم ارائه شده به حاشیه رانده شده است. این اما تنها یکی از مصوبات این حزب نیست. کمیته های کمونیستی که ستون فقرات ابراز وجود اجتماعی وسیع کمونیسم را در تاریخ معاصر ایران را بنمایش گذاشت، دست آوردی برای جنبش کمونیستی در ایران است و نمی شود بدون ابراز نظر تشکیلات های مربوطه و پیشبرنده آن، در یک اجلاس کمیته مرکزی به آن پرداخت. چنین کنگره ای با شرکت نمایندگان تشکیلات ها امکان ابراز نظر به نیروی وسیعی می دهد که دخالت کند و از دست آوردهای تا به امروزش دفاع کند. کنگره حزبی لازم است تا تکلیف را روشن کند. کنگره حزبی لازم است تا امکان دهد تا هر سیاستی در تقابل با مصوبات رسمی این حزب بتواند خود را فرموله کند، سند و قطعنامه ارائه کند تا امکان انتخاب را شفاف و علنی فراهم آورد. این کار را نمی توان پشت درهای بسته و درون تشکیلاتی کرد، بلکه برعکس بایستی بیشترین دخالتگری را ممکن ساخت. در حقیقت همین جدال سیاسی است که

آگاهگرانه است. شکی نیست که در آن کنگره، مخالفان سیاست های تا به امروز حزب می توانند نمایندگان را قانع کرده و حزب را "تغییر ریل" دهند. میزان موفقیت آنها، مسلماً تنها از مصوبات آن کنگره مشخص خواهد شد. بالاخره اکثریت و اقلیت بر اساس چنین مصوباتی رسمیت می یابند. بهرحال باز هم برای جلوگیری از هرگونه محفلیسم، در این حزب امکان به مخالفان سیاست های رسمی داده شده است که فراقسیون تشکیل دهند، پلاتفرم ارائه دهند، امکانات حزبی بگیرند و رسمی و شفاف برای تغییر سیاست های حزب تلاش کنند.

بهرحال آینده از پیش نوشته نشده است و دخالتگری سیاسی همه جانبه در نتایج و مصوبات کنگره آتی تعیین کننده است. آنان که در اولین قدم، این حزب را زخمی و ضعیف می پندارند، مسلماً مشغول فاتحه خوانی هایشان هستند و از حالا، آخر خط ها را ترسیم کرده اند. برای کمونیستها، اما، انسان و فعالیت و نقشش است که آینده را می سازد. آدمیان هستند که تاریخ خود را میسازند ولی نه آنگونه که دلشان میخواد، یا در شرایطی که خود انتخاب کرده باشند؛ بلکه در شرایط داده شده ای که میراث گذشته است و خود آنان بطور مستقیم با آن درگیرند."

این نه اولین و نه آخرین باری خواهد بود که اختلافات در این حزب بروز می کنند. از اول هم این حزب بر اعلام تعدد نظرات و وحدت اراده بیان شد. مصوبات سیاسی است، اختلافات واقعی است و از بدبختی کسی نیست. با همین تصویر بایستی سراغ نظرات رفت. تکلیف سیاست های ماکرو را در کنگره باید روشن کرد و راه ما همانا کنگره است. بقول اقتباسی از دانتی توسط مارکس در پیشگفتار چاپ آلمانی جلد اول کاپیتال، راه خود را ادامه دهید و بگذارید مردم هم حرف بزنند!

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

هفتگی

زنده باد سوسیالیسم